کیهان

آل‌خلیفه: شیعیان ایرانی‌تبار را سلب تابعیت می‌کنیم

دیده‌بان حقوق بشر بحرین گزارش داد که همه کسانی که رژیم آل‌خلیفه به بهانه حمایت از ایران لغو تابعیت کرده است از شیعیان ایرانی‌تبار هستند.

منامه به یک دستورالعمل سلطنتی علیه به اصطلاح «خائنینی که امنیت را تضعیف می‌کنند» استناد کرده و مدعی شده است که این گروه ۶۹ نفره یا جاسوسی می‌کردند یا «از ایران که در طول جنگ با پهپادها و موشک‌ها بحرین را بمباران کرد، تجلیل یا همدردی» می‌کردند. در همین رابطه دیده‌بان حقوق بشر و مؤسسه حقوق و دموکراسی بحرین مستقر در لندن اعلام کردند همه افراد ذکر شده، شیعیان ایرانی‌تبار هستند که تقریباً ۱۴درصد از جمعیت را تشکیل می‌دهند. این فهرست شامل ۳۳ کودک است. پنج نفر به بهانه‌هایی از جمله پست‌های رسانه‌های اجتماعی، جاسوسی، فیلمبرداری و تجلیل از حملات ایران زندانی شدند. برای مدافعان حقوق بشر، لغو مجوزها آخرین نشانه سرکوب فزاینده جمعیت بزرگ شیعه بحرین تحت حاکمیت اقلیت سنی‌ها محسوب می‌شود. شیعیان مدت‌هاست که از به حاشیه رانده‌شدن شکایت دارند.

گزارش مهم خبرگزاری عراقی از سفر مشکوک تام باراک به بغداد!

خبرگزاری عراقی به نقل از منبعی سوری از اهداف خطرناک سفر نماینده ویژه آمریکا در عراق و سوریه در راستای یک طرح تروریستی پرده برداشت.

ایرنا به نقل از خبرگزاری عراقی المعلومه نوشت، منبعی سوری می‌گوید سفر تام باراک، نماینده ویژه آمریکا در عراق و سوریه- که در افکار عمومی منطقه دارای سابقه بدی است- به عراق با این هدف است که از دولت بغداد بخواهد در صورت حمله گروه‌های تروریستی به لبنان، از مداخله مقاومت عراق جلوگیری کند! این منبع افزود آمریکا و رژیم صهیونیستی بر اردوگاه‌های آموزشی تروریستی در چندین منطقه در سوریه، از جمله اردوگاه «الطلائع» در طرطوس و سایر اردوگاه‌ها نظارت دارند و تعداد عناصری که در این اردوگاه‌ها آموزش می‌بینند، بیش از ۲۵۰۰۰ نفر است. خیل عظیمی از تروریست‌ها هم در عکار و القصر در حمص هستند.

یکشنبه ۳۱ خرداد ۱۴۰۵ □ ۶ محرم ۱۴۴۸ □ ۲۱ ژوئن ۲۰۲۶ □ شماره ۲۴۱۶۹

اذان ظهر: ۱۲/۰۶، اذان مغرب: ۱۹/۴۵، نیمه‌شب شرعی: ۲۳/۱۳، اذان صبح(فردا): ۳/۰۲، طلوع آفتاب(فردا):۴/۴۹

نگاه

جنگ ایران و نبرد بر سر آینده امپراتوری دلار

مترجم: سید محمد امین آبادی

مانند بیشتر جنگ‌های آمریکا در غرب آسیا، حمله مشترک کنونی آمریکا و اسرائیل به جمهوری اسلامی ایران نیز بر سر تضمین کنترل منابع انرژی منطقه و حفظ سیاست‌های مبتنی بر ارز نفتی است؛ سیاست‌ها و رویه‌هایی که از پایان جنگ جهانی دوم تاکنون موتور محرک اقتصاد آمریکا بوده‌اند. در نهایت، این درگیری که موجی از شوک را به اقتصاد جهانی وارد کرده است، به این پرسش بازمی‌گردد که چه کسی بر غرب آسیا حکم خواهد راند، شریان حیاتی انرژی جهان را در اختیار خواهد گرفت و قواعد نظام مالی جهانی را تعیین خواهد کرد.

در پس ظاهر دیپلماسی، ژئوپلیتیک و شعارهای مربوط به نظم جهانی، محرک واقعی جنگ‌های آمریکا در خلیج فارس- از اشغال کویت در سال ۱۹۹۰ تا جنگ کنونی با ایران- همواره برتری پولی بوده است. این جنگ‌ها ریشه در درآمدهای نفتی، اهرم‌های بدهی و منافع عظیم اقتصادی ناشی از سلطه بر انرژی و ارز جهانی داشته‌اند. موضع‌گیری سختگیرانه واشنگتن، خفه‌کردن اقتصادی و مداخلات نظامی آن، همگی برای تحمیل تبعیت و واداشتن دیگران به تمکین طراحی شده‌اند. کشورهایی مانند ایران که در برابر هژمونی آمریکا مقاومت می‌کنند، با فشارهای شدید مالی و نظامی روبه‌رو می‌شوند، زیرا این سرپیچی، معماری امنیتی آمریکا در منطقه و سلطه تک‌قطبی آن بر نظام مالی جهانی را به چالش می‌کشد. از دهه ۱۹۷۰، «نظام پترودلار» موتور نامرئی رفاه و قدرت آمریکا بوده است. با این حال، زیرساخت اقتصادی که هژمونی جهانی آمریکا را سرپا نگه داشته، در حال فرسایش است؛ زیرا تحولات ژئوپلیتیکی و روندهای دلارزدایی به تدریج چنگ‌اندازی مطلق دلار آمریکا بر بازارهای جهانی انرژی را تضعیف می‌کنند.

برای درک این‌که چگونه به این نقطه رسیده‌ایم، باید بررسی کرد که دلار آمریکا چگونه به سلطه جهانی دست یافت و واقعیت اقتصادی کنونی ما را شکل داد. در ژوئن ۱۹۷۴، آمریکا و عربستان سعودی یک توافق تاریخی همکاری اقتصادی و نظامی امضا کردند که پایه‌گذار آن چیزی شد که بعدها به «نظم پترودلار» شهرت یافت. این معامله سرنوشت‌ساز در دوره‌ای از ناامنیانی سیاسی و اقتصادی شکل گرفت؛ دورانی که با تورم، جنگ ویتنام و تحریم نفتی اعراب در سال ۱۹۷۳ همراه بود. در حالی که اقتصاد آمریکا در مسیر سقوط قرار داشت، ریچارد نیکسون، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، که نگران حفظ تقاضای جهانی برای دلار بود، دولت عربستان سعودی را متقاعد کرد تا با ثروت نفتی خود به تأمین مالی بدهی‌های آمریکا بپردازد. او سعودی‌ها را قانع کرد که نفت خود را منحصراً بر پایه دلار آمریکا قیمت‌گذاری کنند و مازاد درآمدهای نفتی خود را در اوراق قرضه خزانه‌داری آمریکا سرمایه‌گذاری کنند. در مقابل، واشنگتن نیز متعهد شد برای عربستان سلاح و حمایت امنیتی فراهم کند. تا سال ۱۹۷۵، تمامی اعضای اوپک، نفت خود را بر مبنای دلار قیمت‌گذاری می‌کردند. سیاست عربستان سعودی مبنی بر قیمت‌گذاری انحصاری نفت خام به دلار آمریکا، همه کشورهای خریدار را وادار می‌کرد پیش از انجام خرید، ارزهای ملی خود را به دلار تبدیل کنند. افزایش تقاضای بین‌المللی برای دلار، آن را به تنها ارز ذخیره جهانی و ترجیحی‌ترین وسیله مبادله در جهان تبدیل کرد. در طول سال‌ها، حمایت قاطع واشنگتن از رژیم سرکوبگر عربستان سعودی از یک ضرورت راهبردی سرچشمه گرفته است: اطمینان از این‌که این دولت متحد همچنان به توافق سال ۱۹۷۴ پایبند بماند.

این سازوکار مطلوب قیمت‌گذاری و مبادله، تأمین‌کننده مالی ماجراجویی‌های نظامی متعدد آمریکا بوده و ابزارهای لازم برای اعمال تحریم‌های اقتصادی و پیشبرد سیاست خارجی این کشور را در اختیار آن قرار داده است. اگرچه مجموعه‌ای از انگیزه‌ها در مداخلات واشنگتن در غرب آسیا نقش داشته‌اند، اما مجازات کشورهایی که از نظام ارزی موردنظر آمریکا فاصله می‌گرفتند، در جنگ‌های گذشته این کشور علیه عراق و لیبی جایگاه برجسته‌ای داشت. برای نمونه، در عراق، سرنوشت صدام حسین زمانی رقم خورد که در سال ۱۹۹۹ معاملات نفت عراق را به یورو منتقل کرد. حمله جورج دبلیو بوش در مارس ۲۰۰۳ نه‌تنها تهدید ناشی از گرایش عراق به یورو را از میان برد، بلکه هشداری آشکار به دیگر کشورهایی بود که به استفاده از ارزی جایگزین برای معاملات نفتی می‌اندیشیدند. در دوران اشغال عراق توسط آمریکا، صادرات نفت این کشور به‌سرعت به الگوی مبتنی بر دلار بازگردانده شد. افزون بر این، قطعنامه ۱۴۸۳ شورای امنیت سازمان ملل به آمریکا اجازه داد کنترل درآمدهای نفتی عراق را در دست بگیرد؛ کنترلی که همچنان ادامه دارد.

مداخله تحت رهبری آمریکا و سرنگونی سرهنگ معمر قذافی در سال ۲۰۱۱ را نیز می‌توان از همین منظر تحلیل کرد. برای دهه‌ها، شماری از کشورهای آفریقایی به رهبری قذافی تلاش می‌کردند یک ارز فراگیر آفریقایی را بر پایه دینار پشتوانه‌دار طلای لیبی ایجاد کنند؛ دیناری که گفته می‌شد حدود ۱۴۳ تُن طلاً و مقدار مشابهی نقره پشتوانه آن بود. هدف از این طرح، کاهش وابستگی قاره آفریقا به دلار آمریکا، یورو و فرانک فرانسه در معاملات نفتی آینده بود. زندگی قذافی، همراه با طرح او برای ایجاد یک ارز واحد آفریقایی، با حمله نیروهای ناتو به رهبری آمریکا، فرانسه و بریتانیا به لیبی، به شکلی خشونت‌آمیز پایان یافت.

شدت خصومت آمریکا نسبت به ایران هم، مستقیماً با تلاش‌های این کشور و روسیه برای رهایی از انحصار نظام پترودلار ارتباط دارد. تهران برای مقابله با دهه‌ها تحریم‌های سنگین اقتصادی آمریکا و غرب، ناگزیر بوده است سازوکارهای جایگزین برای تجارت غیردلاری را توسعه دهد. برای مثال، ایران در سال ۲۰۰۳ دارایی‌ها و ذخایر ارزی نگهداری‌شده خود در خارج را از دلار خارج کرد. تا سال ۲۰۰۸، حذف کامل دلار از معاملات نفت خام خود را رسمیت بخشید و در سال ۲۰۱۲ نیز معاملات انرژی با چین را بر پایه یوان آغاز کرد.

هنگامی که آمریکا و اسرائیل در فوریه ۲۰۲۶ (۹ اسفند ۱۴۰۴)جنگ علیه ایران را آغاز کردند، تهران- همان‌گونه که پیش‌تر اعلام کرده بود در صورت حمله چنین خواهد کرد- تنگه هرمز را به روی کشتی‌هایی که به بنادر آمریکا، اسرائیل و متحدان آنها رفت‌وآمد می‌کردند، بست. همچنین در اواسط مارس(اواخر اسفند)، ایران یک نظام ترانزیتی غیردلاری را در تنگه هرمز به‌طور رسمی برقرار کرد. براساس این نظام ترانزیتی، عبور ایمن و مجوز تردد برای کشتی‌های تجاری و نفتکش‌های متعلق به کشورهایی که عمدتاً «دوست» تلقی می‌شوند و می‌پذیرند هزینه‌های ترانزیت را با یوان چین یا ارزهای دیجیتال باثبات پرداخت کنند، تضمین می‌شود. همچنین همه کشتی‌هایی که از این تنگه عبور می‌کنند ملزم هستند معاملات مربوط به محموله‌های خود را با یوان تسویه کنند.

سلطه تاریخی آمریکا بر اقتصاد جهانی، اهرم لازم را برای اعمال قدرت ژئوپلیتیکی و قهرآمیز در اختیار این کشور قرار داده است؛ مزیتی بی‌نظیر که آمریکا اکنون به‌شدت برای محافظت از آن مبارزه می‌کند. در نهایت، تشدید درگیری در غرب آسیا را می‌توان آزمونی سرنوشت‌ساز برای نظام پترودلار دانست؛ نبردی که در آن واشنگتن برای حفظ سلطه ارزی خود می‌کوشد و رقبایش در تلاش‌اند آن را دور بزنند یا از میان بردارند.

جامعه بین‌المللی به آرامی در حال حرکت به سوی جهانی چندارزی است. از قضا، جنگ کنونی علیه ایران و همچنین رژیم گسترده تحریم‌های واشنگتن علیه ایران، روسیه و چین، خود به عاملی برای تسریع و تشدید این فرسایش تبدیل شده‌است. تضعیف ارزش دلار آمریکا زمینه‌ساز پیامدهای کوتاه‌مدت و بلندمدت برای این کشور خواهد بود. اعتماد بین‌المللی به بازارهای آمریکا به‌عنوان یک پناهگاه امن اقتصادی در حال از بین رفتن است. این باور تاریخی که آمریکا کشوری با حکمرانی خوب و دارای نهادهای حقوقی، اقتصادی و مالی پایدار است، توضیح می‌دهد که چرا بانک‌های مرکزی تقریباً ۵۷درصد از ذخایر جهانی را به دلار آمریکا اختصاص داده‌اند.

هر زمان که جنگ با ایران پایان یابد، پیامدهای مهمی برای نظم اقتصادیِ مبتنی بر محوریت آمریکا خواهد داشت. چشم‌انداز بلندمدت، به سوی ارزی ضعیف‌تر اشاره می‌کند؛ زیرا هزینه‌های جنگ- که حدود ۱۲میلیارد دلار در هفته برآورد می‌شود- افزایش می‌یابد و بدهی ملی آمریکا که از ۳۹تریلیون دلار فراتر رفته، بیشتر می‌شود. پیامد طبیعی این روند، افزایش ریاضت اقتصادی در داخل آمریکا و کاهش نفوذ ژئوپلیتیکی این کشور در سطح جهانی خواهد بود.

آمریکا می‌تواند با همکاری با جامعه بین‌المللی برای اصلاح تدریجی ساختارهای پولی جهانی، از مزایای اقتصادی قابل‌توجهی بهره‌مند شود. با این حال، چنین گذار عظیمی مستلزم آن است که سیاست‌گذاران واشنگتن از افسانه‌های امپراتورمآبانه، ایدئولوژی‌های استثناگرایانه و تبعیت از منافع صهیونیستی که از ارکان اصلی تبدیل نظام مالی جهانی به ابزاری در خدمت قدرت آمریکا بوده‌اند، دست بکشند.

منبع: کانترپانچ

گزارش خبری تحلیلی کیهان

اسرائیل مشغول قتل‌عام لبنانی‌ها بی‌اعتنا به تفاهم و آتش‌بس!

سرویس خارجی-

در شرایطی که «آتش‌بس در همه جبهه‌ها» و «حفظ تمامیت ارضی کشورهای درگیر» یکی از بندهای اصلی تفاهم امضاءشده بین ایران و آمریکاست، رژیم آپارتاید اسرائیل به حملات و اشغالگری خود شدیدتر از همیشه ادامه می‌دهد!

با وجود آن‌که توقف جنگ در همه جبهه‌های درگیری، از جمله لبنان، از محورهای مورد تأکید در تفاهم امضاءشده میان ایران و آمریکا عنوان شده، رژیم صهیونیستی نه‌تنها از حملات خود دست نکشیده، بلکه روند تجاوزاتش به خاک لبنان را تشدید کرده است. ادامه حملات زمینی، هوائی و توپخانه‌ای به جنوب لبنان نشان می‌دهد تل‌آویو عملاً هیچ التزامی به آتش‌بس و مفاد تفاهم اعلام‌شده ندارد و همچنان بر طبل جنگ و اشغالگری می‌کوبد و موتور ماشین کشتار خود را نیز سریع‌تر کرده است تا جایی که یکی از وزیران سابق لبنانی با اشاره به تشدید حملات ویرانگر رژیم صهیونیستی به جنوب لبنان آن را «آزمون واقعی برای جامعه جهانی به منظور مهار تل‌آویو» دانست و گفت: «این رویکرد تجاوزکارانه نشان‌دهنده عدم پایبندی اسرائیل به تعهدات در قبال آتش‌بس و نیز تفاهم اخیر میان ایران و آمریکاست.» بن گویر، وزیر امنیت داخلی رژیم صهیونیستی جمعه گفته بود باید تمام لبنان را بسوزانیم!

۱۳۰ تجاوز در ۲۴ ساعت

در تازه‌ترین دور از تجاوزات، جنگنده‌ها و پهپادهای رژیم صهیونیستی تنها ظرف ۲۴ ساعت دست‌کم ۱۳۰ حمله علیه نبطیه و مناطق اطراف آن انجام دادند؛ آماری که ابعاد کم‌سابقه حملات به جنوب لبنان را آشکار می‌کند. همزمان، دیروز نیز روستاهای منطقه صور نیز هدف حملات زمینی و هوائی قرار گرفتند تا دامنه عملیات رژیم اسرائیل از یک حمله محدود فراتر رفته و به یک یورش گسترده علیه مناطق مسکونی و زیرساختی جنوب لبنان تبدیل شود.

شمار بالای کشتار مردم؛ ۶۵ شهید، ۶۰ زخمی و ۱۵ مفقود

همزمان با تشدید حملات، منابع بیمارستانی لبنان از افزایش سنگین تلفات انسانی خبر داده‌اند؛ براساس این گزارش‌ها، تنها در حملات یک روز اخیر به مناطق جنوبی لبنان، دست‌کم ۶۵ نفر به شهادت رسیده، ۶۰ نفر زخمی و ۱۵ نفر نیز مفقود شده‌اند. این آمار، از شدت کشتار غیرنظامیان در حملات رژیم صهیونیستی پرده برمی‌دارد؛ حملاتی که بار اصلی آن را مردم عادی، ساکنان روستاها و شهرک‌های جنوب لبنان می‌پردازند.

نبطیه؛ کانون خون و آتش در جنوب لبنان

بخش عمده این تلفات در منطقه نبطیه و روستاها و شهرک‌های اطراف آن ثبت شده است؛ منطقه‌ای که در روزهای اخیر به کانون اصلی حملات اسرائیل تبدیل شده است. شدت بمباران‌ها در نبطیه به اندازه‌ای بوده که منابع درمانی لبنان از شهادت ده‌ها نفر در یک روز خبر داده‌اند. استمرار این حملات نشان می‌دهد تل‌آویو نبطیه را به میدان اصلی فشار نظامی و روانی بر لبنان تبدیل کرده و می‌کوشد با تحمیل تلفات انسانی سنگین، معادلات میدانی جنوب را به نفع خود تغییر دهد. در آخرین حملات دیروز- تا زمان تنظیم این گزارش- بنابر اعلام دفاع مدنی لبنان در پی این حملات ۱۶ نفر شهید و ۱۲ نفر مجروح شدند که توسط نیروهای دفاع مدنی به بیمارستان‌ها منتقل شدند.

چرا نبطیه مهم است؟ گره ژئوپلیتیکی جنوب لبنان

نبطیه فقط یک هدف میدانی نیست، بلکه از منظر نظامی و ژئوپلیتیکی جایگاهی اساسی در محاسبات تل‌آویو دارد. این منطقه و ارتفاعات پیرامونی آن از جمله نبطیه‌الفوقه، علی‌الطاهر و الشقیف، به‌دلیل قرار گرفتن در شمال پیچ رود لیتانی و نزدیکی به مرزهای فلسطین اشغالی، برای رژیم صهیونیستی اهمیتی استراتژیک دارند. از همین‌رو، رژیم آپارتاید اسرائیل تلاش می‌کند با تمرکز آتش بر این منطقه، هم بر ارتفاعات مشرف بر جنوب لبنان مسلط شود و هم زمینه ایجاد یک «کمربند امنیتی» جدید را در عمق خاک لبنان فراهم کند.

سه هدف نتانیاهو از تشدید حملات به نبطیه

تحلیل‌های سیاسی و امنیتی حاکی از آن است که تشدید حملات به نبطیه بخشی از محاسبات بنیامین نتانیاهو برای پیشبرد چند هدف همزمان است: نخست، نمایش این ادعا که رژیم اسرائیل در تصمیمات نظامی خود تابع فشارهای آمریکا نیست؛ دوم، تثبیت آزادی عمل ارتش اسرائیل در تداوم حملات به لبنان؛ و سوم، ایجاد واقعیت میدانی تازه در جنوب لبنان برای تحمیل یک کمربند امنیتی در شمال مرزهای فلسطین اشغالی. در واقع، تل‌آویو می‌کوشد از مسیر بمباران و اشغال تدریجی، دست برتر را در هر مذاکره احتمالی آینده به دست آورد.

استفاده رژیم از بمب‌های فسفری و خوشه‌ای

در کنار شدت حملات، نوع تسلیحات به‌کاررفته نیز بر ابعاد فاجعه افزوده است. گزارش‌ها حاکی است جنگل علی‌الطاهر در حومه نبطیه علیا هدف حملات شدید توپخانه‌ای ارتش رژیم صهیونیستی قرار گرفته و در این حملات از بمب‌های فسفری و خوشه‌ای استفاده شده است؛ سلاح‌هایی که کاربرد آنها طبق قوانین بین‌المللی ممنوع است. استفاده از این تسلیحات، نه‌تنها دامنه ویرانی را افزایش می‌دهد، بلکه نشان می‌دهد رژیم صهیونیستی در جنگ علیه لبنان از عبور از خطوط قرمز حقوق بین‌الملل نیز ابایی ندارد.

واکنش‌های قدرتمند حزب‌الله؛ از کمین تا زدن فرماندهان

در برابر این تجاوزات، حزب‌الله لبنان نیز با عملیات دفاعی و تلافی‌جویانه به نقض آتش‌بس از سوی رژیم صهیونیستی پاسخ داده است. منابع صهیونیستی از کشته‌شدن دست‌کم یک نظامی اسرائیلی و زخمی شدن ۱۱ نفر دیگر در حملات حزب‌الله در منطقه علی‌الطاهر خبر داده‌اند و رسانه‌های اسرائیلی نیز اذعان کرده‌اند مقاومت لبنان اکنون حتی فرماندهان ارتش اسرائیل را به‌طور مستقیم هدف قرار می‌دهد. اتاق عملیات مقاومت اسلامی نیز اعلام کرده است که رزمندگان حزب‌الله در کمین نیروهای تیپ کماندویی اسرائیل، با انواع سلاح‌های سبک و سنگین به آنها ضربه زده و تلفات گسترده‌ای بر دشمن وارد کرده‌اند.

بیانیه مقاومت در مورد تلاش رژیم برای توجیه نقض آتش‌بس

اتاق عملیات مقاومت اسلامی حزب‌الله با صدور اطلاعیه‌ای، روایت صهیونیست‌ها درباره تحولات میدانی جنوب لبنان را «تلاش برای توجیه نقض آتش‌بس» توصیف کرد و تأکید کرد دشمن اسرائیلی بار دیگر با تکیه بر ادعاهای دروغین می‌کوشد تجاوزات مستمر خود را مشروع جلوه دهد؛ حال آن‌که از همان ساعات نخست آتش‌بس، خودِ این رژیم ناقض اصلی توافق بوده و حملاتش به خاک لبنان را متوقف نکرده است. حزب‌الله اعلام کرد با وجود پایبندی مقاومت به آتش‌بس از شامگاه جمعه، رزمندگانش به‌سبب سابقه همیشگی دشمن در پیمان‌شکنی، فریب و تلاش برای توسعه اشغالگری، دست خود را بر ماشه نگه داشته‌اند و هرگونه تحرک نظامی اسرائیل را با پاسخ مستقیم مواجه خواهند کرد.

در همین بیانیه آمده است که ارتش رژیم صهیونیستی تلاش کرد به سمت ارتفاع استراتژیک علی‌الطاهر نفوذ کند؛ منطقه‌ای که اشغالگران با وجود تکرار حملات و فشارهای گسترده، همچنان از تثبیت اشغال آن ناتوان مانده‌اند. به گفته مقاومت، هنگامی که نیروهای تیپ کماندویی ارتش اسرائیل وارد کمین رزمندگان حزب‌الله شدند، با آتش سنگین سلاح‌های سبک و نیمه‌سنگین هدف قرار گرفتند و تلفات گسترده‌ای متحمل شدند. حزب‌الله با تأکید بر این‌که همزمان با پایبندی به آتش‌بس، در برابر هرگونه تلاش دشمن برای گسترش اشغالگری در خاک لبنان هیچ‌گونه تسامحی نخواهد داشت، تصریح کرد که رزمندگان مقاومت در کمین‌های خود در آمادگی کامل به سر می‌برند و برای دفاع از سرزمین، مردم و حاکمیت لبنان آماده‌اند؛ موضعی که نشان می‌دهد مقاومت، آتش‌بس را نه به معنای انفعال، بلکه به مثابه حفظ آمادگی در برابر تجاوزگری رژیمی می‌داند که سابقه‌ای روشن در نقض تعهدات، توسعه اشغال و هدف گرفتن غیرنظامیان دارد.

اعتراف صهیونیست‌ها به فرسایش در لبنان

ضربات حزب‌الله به اندازه‌ای مؤثر بوده که شماری از فرماندهان و نظامیان صهیونیست نیز به وضعیت دشوار ارتش این رژیم در لبنان اعتراف کرده‌اند. منابع اسرائیلی، دیروز، از «شب سخت» نیروهای اشغالگر سخن گفته‌اند و برخی افسران ذخیره نیز تأکید کرده‌اند که ارتش اسرائیل در لبنان در موقعیتی بسیار آسیب‌پذیر قرار دارد. حتی مقام‌های نظامی سابق این رژیم هشدار داده‌اند که ادامه حضور در لبنان، بدون دستاورد ملموس، تنها به افزایش تلفات منجر می‌شود و نیروهای اسرائیلی عملاً در میدان تیر مقاومت قرار گرفته‌اند.

مروری بر سخنرانی نعیم قاسم مقاومت، اشغالگری را نمی‌پذیرد

شیخ نعیم قاسم، دبیرکل حزب‌الله لبنان، در سخنرانی خود در شبِ شنبه، با تأکید بر این‌که «حسین راه ماست»، مقاومت را مسیری دینی، ملی، انسانی و اخلاقی برای مقابله با اشغالگری توصیف کرد و گفت حزب‌الله هرگز اشغال را نپذیرفته و هرگاه دشمن با سلاح یا جنگ نرم به میدان آمده، مقاومت نیز متناسب با آن پاسخ داده است. او با تأکید بر پایبندی حزب‌الله به آزادسازی سرزمین، حفظ وحدت داخلی، توسعه توان رزمی و ادامه ایستادگی، تصریح کرد که پروژه حذف حزب‌الله و تثبیت اشغالگری شکست خورده و مقاومت در حال عبور از خطرناک‌ترین مرحله توطئه آمریکایی- صهیونیستی علیه لبنان است. جمع‌بندی سخنان او روشن بود: «مقاومت در برابر تجاوزات اسرائیل عقب‌نشینی نخواهد کرد و بیرون راندن دشمن از خاک لبنان همچنان یک هدف قطعی است.»

ده‌ها لبنانی در یک روز به شهادت رسیدند

گزارش نیوزویک از متحدان اروپایی که یکی پس از دیگری از آمریکا فاصله می گیرند

سرویس خارجی-

گزارش هفته‌نامه آمریکایی نشان می‌دهد، حتی متحدان راست افراطی و سرسخت ترامپ در اروپا هم در حال فاصله گرفتن از این قمارباز باج‌گیر هستند.

ترامپ زمانی که برای بار دوم در کاخ‌سفید به قدرت رسید بیش از همه احزاب راست افراطی در اروپا به استقبال این انتخاب رفتند اما در ماه‌های اخیر، شماری از رهبران و احزاب پوپولیست و راست‌گرای اروپا که زمانی از حامیان و تحسین‌کنندگان دونالد ترامپ و اقدامات وی در سرکوب مهاجران، حمله به ناتو و ترویج ملی‌گرایی به‌شمار می‌رفتند، تلاش کرده‌اند فاصله سیاسی خود را با رئیس‌جمهور آمریکا افزایش دهند. یکی از برجسته‌ترین نمونه‌ها، «جورجیا ملونی» نخست‌وزیر ایتالیا است. ملونی در سال‌های گذشته به عنوان نزدیک‌ترین متحد اروپایی ترامپ شناخته می‌شد و حتی تلاش می‌کرد نقش پل ارتباطی میان واشنگتن و بروکسل را ایفا کند. با این حال، تشدید اختلافات بر سر تعرفه‌های تجاری آمریکا علیه اروپا، جنگ ایران و مواضع ترامپ درباره متحدان اروپایی، روابط دوطرف را تیره کرده است. ملونی طی ماه‌های اخیر آشکارا از سیاست‌های تجاری ترامپ انتقاد کرده است. اظهارات توهین‌آمیز اخیر ترامپ علیه ملونی نیز خشم حسابی مقامات ایتالیا را برانگیخته است. ترامپ به تازگی گفته بود: «او(ملونی) التماس می‌کرد با من عکس بگیرد؛ آن‌قدر عکس می‌خواست که اگر دلم به حالش نسوخته بود، اصلاً این کار را نمی‌کردم... احتمالاً خوشحال است که من با او صحبت کردم. هیچ الزامی نداشتم که با او صحبت کنم.» جورجیا ملونی هم با انتشار یک ویدئو خطاب به ترامپ گفت: «برخی مسائل نیازمند پاسخی فوری هستند. اظهارات دونالد ترامپ کاملاً ساختگی است و صادقانه بگویم از شنیدن آنها شوکه شده‌ام.» در فرانسه نیز «مارین لوپن» و حزب «اجتماع ملی» کوشیده‌اند از ترامپ فاصله بگیرند. اگرچه این حزب همچنان بر موضوعاتی مانند مهاجرت و حاکمیت ملی تأکید دارد، اما رهبران آن به تدریج از برخی اقدامات ترامپ، از جمله سیاست‌های غیرقابل پیش‌بینی در قبال جنگ اوکراین و تنش‌های خاورمیانه، انتقاد کرده‌اند.

چرا این اتفاق افتاد؟

به گفته کارشناسان چند عامل اصلی در این فاصله‌گیری از ترامپ در بین احزاب راست افراطی نقش داشته است. نخست، سیاست «اول آمریکا»ی ترامپ که در عمل به اعمال تعرفه‌های تجاری علیه کالاهای اروپایی و تضعیف منافع اقتصادی قاره منجر شده است. بسیاری از احزاب پوپولیست اروپایی، با وجود گرایش‌های ملی‌گرایانه، نمی‌توانند از سیاست‌هایی حمایت کنند که به صنایع و مصرف‌کنندگان کشورشان آسیب می‌زند. طی ۱۵ ماه گذشته سیاست‌های تعرفه‌ای ترامپ ضربات سنگینی به صنایع در اروپا زده است و رأی‌دهندگان اروپایی به خوبی می‌دانند که مسبب این وضعیت کیست. دومین عامل به گفته کارشناسان این است که مداخلات و رویکرد تهاجمی دولت ترامپ در موضوعاتی مانند ایران و گرینلند با تأکید سنتی راست‌گرایان اروپایی بر اصل حاکمیت ملی در تضاد قرار گرفته است. بسیاری از این احزاب معتقدند که اقدامات واشنگتن موجب بی‌ثباتی بین‌المللی و افزایش هزینه‌های انرژی در اروپا شده است. عامل سوم، ملاحظات انتخاباتی است. نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد که ترامپ در بخش بزرگی از افکار عمومی اروپا چهره‌ای محبوب نیست و ارتباط نزدیک با او می‌تواند به زیان احزاب پوپولیست تمام شود. از این‌رو، بسیاری از رهبران این جریان‌ها در تلاش هستند ضمن حفظ مواضع هویتی و ضد مهاجرتی خود، از وابستگی سیاسی به ترامپ اجتناب کنند.

گزارش نیوزویک

هفته‌نامه نیوزویک هم در گزارشی با اشاره به درگیری لفظی اخیر جورجیا ملونی نخست‌وزیر ایتالیا و دونالد ترامپ نوشته است که این درگیری نشان داد که تعداد بیشتری از رهبران راستگرا و پوپولیست که تا پیش از این متحد نزدیک رئیس‌جمهوری آمریکا محسوب می‌شدند، به تدریج در حال فاصله گرفتن از او هستند؛ روندی که بسیار پیش‌تر از این جنجال آغاز شده بود.

نیوزویک می‌نویسد: روند فاصله گرفتن راست افراطی از ترامپ نشانه بیشتری از گسست در روابط فراآتلانتیک است. اختلافات بر سر جنگ آمریکا و (رژیم) اسرائیل با ایران، تهدیدهای ترامپ برای تصاحب گرینلند و استفاده از ابزار تعرفه‌ها علیه متحدان اروپایی، شکاف نامتعارفی بین واشنگتن و برخی از نزدیک‌ترین شرکای خارجی که به لحاظ ایدئولوژیکی با او همسو هستند، ایجاد کرده است. تحلیلگران می‌گویند این شکاف بازتاب اختلافات و تهدیدهای سیاسی فزاینده‌ای است که رهبران اروپاییِ دارای روابط بسیار نزدیک با ترامپ احساس می‌کنند.

این گزارش می‌افزاید: ناسیونالیست‌های اروپایی تاکنون از ترامپ بر سر مسائل مختلفی از جمله جنگ علیه ایران، تلاش برای تصاحب گرینلند و سیاست تجاری انتقاد کرده‌اند. ایتالیا استفاده آمریکا از پایگاه هوایی کلیدی برای انجام ماموریت‌هایش در خاورمیانه را منع کرده است. پوپولیست‌های فرانسوی و آلمانی هم نسبت به اقدامات امپریالیستی یا مداخله‌جویانه آمریکا انتقاد کرده‌اند. صدراعظم آلمان به‌طور مستقیم با ترامپ درگیر شده است؛ موضوعی که باعث شد آمریکا تهدید کند نیروهایش را از برلین خارج خواهد کرد.

به گزارش ایرنا به نقل از نیوزویک دولت ملونی، آمریکا را از استفاده از پایگاه هوایی سیگونلا در شهر سیسیل برای انجام عملیات نظامی مربوط به درگیری‌ها منع کرده است. این تصمیم رم بر فشارهای سیاسی علیه ملونی در داخل این کشور تاکید دارد. در ایتالیا مردم از جنگ حمایت نمی‌کنند و نگران افزایش قیمت‌های انرژی هستند. در فرانسه، رهبران حزب راستگرای «اجتماع ملی» که مدت‌ها به لحاظ ایدئولوژیک با لفاظی‌های ناسیونالیستی ترامپ همسو بوده‌اند، بر شدت انتقادهای خود علیه رئیس‌جمهوری آمریکا افزوده‌اند. مارین لوپن عضو سرشناس حزب راست افراطی «اجتماع ملی» اهداف سیاست خارجی ترامپ پیرامون جنگ ایران را «متغیر و ناشی از دمدمی‌مزاجی» او توصیف کرد و ژردن باردلا رئیس این حزب درباره آنچه که «جاه‌طلبی‌های امپریالیستی» ترامپ در اقدامات آمریکا در گرینلند و ونزوئلا توصیف کرد، هشدار داد.

آمریکای تحقیرشده

نیوزویک می‌افزاید: در آلمان هم انتقادها از ترامپ از سمت هر دو حزب راست افراطی و راست میانه بالا گرفته است. احزاب پوپولیست راست‌گرا و حزب راست میانه حاکم از جمله رهبران حزب «آلترناتیو برای آلمان» سیاست خارجی ترامپ را محکوم کرده و خروج نیروهای آمریکایی از پایگاه‌های آلمان را خواستار شده‌اند. همزمان فدریش مرتس صدراعظم آلمان وارد جنگ لفظی مستقیم با کاخ‌سفید بر سر جنگ ایران شده و آمریکا را در مذاکره با تهران «تحقیرشده» توصیف کرده است. در انگلیس، نایجل فاراژ، که مدت‌هاست مدافع سیاست‌های ترامپ بوده، هشدار داده که تهدیدات واشنگتن بر سر گرینلند «رفتاری بسیار خصمانه» است، هرچند که از ابراز مخالفت گسترده‌تر با رئیس‌جمهور آمریکا خودداری کرده است.

نیوزویک می‌افزاید: این تنش‌ها در روابط ترامپ و متحدان اروپایی‌اش، بازتاب روندی گسترده‌تر است: برند ترامپ که تا پیش از این نقطه اتکایی برای جنبش‌های ناسیونالیستی در اروپا بود، به لحاظ سیاسی به موضوعی سمی در برخی محتواها تبدیل شده است.

وزیر صهیونیست: به سوریه هم حمله می کنیم

سرویس خارجی-

سخنان وزیر رژیم آپارتاید اسرائیل درباره حمله به سوریه بیانگر آن است که تجاوزات رژیم علیه کشورهای منطقه گویی هرگز به پایان نخواهد رسید!

رژیم احمد الشرع (ابومحمد جولانی) دارای سابقه تروریستی روشن است؛ او ابتدا به عنوان فرمانده شاخه القاعده در سوریه (جبهه النصره) فعالیت می‌کرد که خود او تحت تعقیب و جایزه ۱۰میلیون دلاری آمریکا بود. پس از سقوط دمشق در اواخر سال ۲۰۲۴ و تصاحب قدرت توسط هیئت تحریرالشام به رهبری او، این رژیم هیچ گرایش ضداسرائیلی واقعی از خود نشان نداده و برخلاف موضع سنتی سوریه، عملاً در برابر حملات هوایی مکرر اسرائیل به خاک سوریه، اشغال مناطق حائل و گسترش حضور نظامی اسرائیل در جنوب سوریه، سکوت اختیار کرده یا حتی تمایل به توافق عدم تعرض و عادی‌سازی روابط ابراز داشته است. جولانی بیشتر به عنوان یک بازیگر مطیع و همسو با سیاست‌های آمریکا ظاهر شده: دیدارهای متعدد با مقامات آمریکایی، ملاقات با دونالد ترامپ در کاخ‌سفید، لغو تحریم‌ها، حذف نام تحریرالشام از فهرست گروه‌های تروریستی توسط آمریکا و متحدانش، و همکاری در زمینه‌های امنیتی، همه نشان‌دهنده چرخش سریع این رژیم دست‌نشانده به سمت غرب برای کسب مشروعیت و قدرت است؛ اما تمام این خوش‌رقصی‌ها برای رهایی از رژیم آپارتاید گویا کافی نیست.

رژیم: با سوریه هم وارد جنگ خواهیم شد!

پس از تمام جنگ‌افروزی‌های رژیم آپارتاید اسرائیل به کشورهای منطقه- که تاریخچه‌ای از جنگ‌افروزی‌های ویرانگر رژیم را در سطور آتی خواهیم آورد- این رژیم باز هم به‌دنبال گشودن جبهه‌ای دیگر است. به گزارش مهر به نقل از معا، عمیخای شکلی، وزیر امور مهاجران رژیم صهیونیستی، با ابراز نگرانی نسبت به ماهیت روابط میان سوریه و ترکیه گفت: ترکیه و سوریه چالش بزرگ‌تری برای اسرائیل نسبت به ایران به‌شمار می‌روند. وی اضافه کرد: «اسرائیل دیر یا زود به سوریه حمله خواهد کرد.» این در حالی است که رژیم تروریستی جولانی از زمان سقوط دمشق تاکنون نه‌تنها هیچ موضع خصمانه‌ای علیه رژیم صهیونیستی نگرفته بلکه در برابر تجاوزات پی‌درپی زمینی و هوایی این رژیم علیه سوریه هیچ اقدامی نکرده و حتی بارها بر تمایل خود برای توافق با تل‌آویو تأکید کرده است. در مورد نقش ترکیه هم در این کشور باید گفت که آنکارا قصد داشت حمص و حماه را به پایگاه نظامی خود تبدیل کند. رژیم صهیونیستی با بمباران فرودگاه‌های این مناطق نیروهای ترکیه را مجبور به عقب‌نشینی کرد؛ اما گویا رژیم به تمامی اینها هم اصلا راضی نیست!

این خبر در شرایطی منتشر می‌شود که منابع محلی در سوریه از حمله ائتلاف آمریکا به یک منطقه در سوریه خبر می‌دهند. منابع محلی در سوریه گزارش دادند که یک پهپاد وابسته به ائتلاف بین‌المللی آمریکا یک موتورسیکلت را در مسیر روحین- دیرحسان واقع در حومه ادلب در شمال سوریه هدف قرار داد. براساس این گزارش، ائتلاف آمریکا مقر حزب ترکستان در حومه ادلب را هدف قرار داده است. همچنین منابع خبری از کشته‌شدن دو سرباز ارتش دولت موقت سوریه در شمال‌شرقی شهر حلب خبر دادند. وزارت دفاع دولت موقت سوریه اعلام کرد: دو نیروی ارتش این کشور در تیراندازی افراد ناشناس در نزدیکی منطقه «منبج» در حومه حلب کشته شدند. گفتنی است، این سوریه بحران‌زده گزینه خوبی برای اشغالگری‌های رژیم اسرائیل است.

رژیمی برای جنگ‌افروزی و کشتار

رژیم اسرائیل از همان زمان تأسیس نکبت‌بار خود در سال ۱۹۴۸، درگیر چندین جنگ عمده با کشورهای همسایه بوده که منجر به اشغال سرزمین‌های عربی شده است. یکی از بارزترین موارد، اشغال بلندی‌های جولان (ارتفاعات جولان) از سوریه در جنگ شش‌روزه سال ۱۹۶۷ است. رژیم اسرائیل حدود دوسوم این منطقه استراتژیک را تصرف کرد و در سال ۱۹۸۱ آن را به‌طور یک‌جانبه ضمیمه خاک خود کرد، اقدامی که شورای امنیت سازمان ملل متحد در قطعنامه ۴۹۷ آن را «باطل و فاقد ارزش قانونی» دانست و جامعه بین‌المللی (به استثنای ایالات‌متحده) آن را به عنوان اشغال نظامی سرزمین سوریه به رسمیت نمی‌شناسد. این اشغال نه‌تنها منجر به آوارگی هزاران سوری شد، بلکه اسرائیل شهرک‌سازی در این منطقه را گسترش داده و از آن به‌عنوان موقعیتی برای عملیات نظامی استفاده کرده است. در سال‌های اخیر، پس از سقوط دمشق، اسرائیل حضور خود را در مناطق حائل مرزی گسترش داد و حملات هوایی متعددی را علیه اهداف مرتبط با ایران و حزب‌الله از خاک سوریه انجام داده است. در مورد لبنان، اسرائیل چندین‌بار به این کشور حمله کرده و بخش‌هایی از خاک آن را اشغال کرده است. عملیات لیتانی در ۱۹۷۸ و سپس حمله گسترده سال ۱۹۸۲ (جنگ لبنان) منجر به اشغال جنوب لبنان شد که تا سال ۲۰۰۰ ادامه یافت...

این الگوی حملات و اشغال‌ها به عنوان جنگ‌افروزی و سیاست‌های گسترش‌طلبانه توصیف می‌شود که بی‌ثباتی منطقه‌ای را به همراه داشته است. رژیم اسرائیل این اقدامات را عمدتاً دفاعی و در پاسخ به تهدیدهای موشکی و نفوذی از سوی گروه‌هایی مانند حزب‌الله و حمایت ایران توجیه می‌کند[!]

روسیه تلافی کرد

بمباران سنگین زیرساخت‌های اوکراین با سوخو-۳۴های روسی

سرویس خارجی-

روسیه در واکنش به حملات اوکراین به زیرساخت‌های انرژی این کشور با سوخو۳۴ها و پهپادهای مدرن خود زیرساخت‌های اوکراین را به‌شدت بمباران کرد.

طی روزها و هفته‌های گذشته حملات اوکراین به پالایشگاه‌ها و زیرساخت‌های انرژی روسیه حسابی خبرساز شده بود. به‌عنوان مثال طی یک هفته گذشته پهپادهای اوکراینی دو بار پالایشگاه مسکو را هدف قرار دادند؛ حملاتی که خسارت‌های گسترده‌ای برجای گذاشته است. براساس تحلیل اندیشکده‌ها و رسانه‌های غربی از جمله شورای روابط خارجی آمریکا، اندیشکده کارنگی و روزنامه گاردین انگلیس، افزایش حملات پهپادی اوکراین به مسکو و زیرساخت‌های انرژی روسیه نتیجه یک «تغییر راهبردی و فناورانه مهم» است. به بیان ساده، امروز ناتو توانایی‌هایی را در اختیار اوکراین قرار داده است که در سال‌های ۲۰۲۲ و ۲۰۲۳ در اختیار نداشت. به گفته کارشناسان تولید انبوه پهپادهای دوربرد و همچنین ارتقای این پهپادها و تجهیز آنها به سامانه‌های ناوبری پیشرفته به کمک ناتو دو دلیل عمده‌ای است که توضیح می‌دهد چرا حملات اوکراین به زیرساخت‌های انرژی روسیه تشدید شده است.

اما گزارش‌ها حاکی است روسیه در واکنش به این حملات زیرساخت‌های اوکراین را به‌طور متقابل هدف قرار داده است. خبرگزاری روسی راشاتودی در این‌باره نوشته است: جنگنده‌های سوخو-۳۴ روسیه با بمب‌هایی که امواج انفجاری عظیمی ایجاد می‌کنند، اهداف اوکراین را نابود کردند. به نوشته این گزارش در این حملات مرکز کنترل پهپاد با ۲۰ نظامی در منطقه خارکیف مورد هدف قرار گرفت. همچنین پل جاده‌ای در مسیر تدارکات اوکراین در منطقه «سومی» تخریب شد. هنوز از میزان تلفات و خسارت‌های این حملات گزارشی مخابره نشده است. «سرگی لاورف» وزیر خارجه روسیه نیز روز پنجشنبه در واکنش به حملات اوکراین به پالایشگاه مسکو قول انتقام داده بود.

سراب عضویت اوکراین در اتحادیه اروپا

خبر دیگر این که صدراعظم آلمان آب پاکی را روی دست زلنسکی رئیس‌جمهور اوکراین ریخت و اعلام کرد که اوکراین تا پایان جنگ و برقراری آتش‌بس پایدار نمی‌تواند به عضویت رسمی و کامل اتحادیه اروپا درآید.

به گزارش ایرنا از تاس، «فدریش مرتس» با اعلام این که اوکراین تا زمانی که جنگ ادامه دارد نمی‌تواند به عضویت کامل اتحادیه اروپا درآید، تصریح کرد: با این حال، کی‌یف می‌تواند ابتدا به‌عنوان یک گام میانی، «عضویت وابسته» و پس از پایان جنگ عضویت کامل در اتحادیه اروپا را دریافت کند. این اظهارات مرتس پس از آن مطرح شد که پس از سال‌ها تلاش و کشمکش، سرانجام سران کشورهای عضو اتحادیه اروپا هفته گذشته تصمیم گرفتند برای الحاق اوکراین و مولداوی به این اتحادیه نشستی را برنامه‌ریزی کنند؛ نشستی که گامی مثبت در روند این موضوع به‌شمار می‌رفت. مرتس پیش‌تر نیز در نامه‌ای به رهبران کشورهای عضو اتحادیه اروپا و رؤسای کمیسیون این اتحادیه و شورای اروپا پیشنهاد داده بود که اوکراین به‌عنوان «عضو وابسته» این بلوک، وضعیت ویژه‌ای دریافت کند.این در حالی است که «ولادیمیر زلنسکی» رئیس‌جمهوری اوکراین پیشنهاد صدراعظم آلمان برای اعطای «عضویت وابسته» بدون حق رأی به کی‌یف را نپذیرفت و تاکید کرد کشورش باید به‌طور کامل و با تمامی حقوق به اتحادیه اروپا بپیوندد. طرح «عضویت وابسته» این امکان را به اوکراین می‌دهد که در نشست‌های اتحادیه اروپا حضور داشته باشد، نماینده‌ای در کمیسیون اروپا داشته باشد و از بخشی از بودجه اتحادیه بهره‌مند شود، اما از حق رأی کامل برخوردار نباشد.

شورش در جاکارتا گرانی سوخت اندونزی را به هم ریخت

به دنبال افزایش شدید قیمت سوخت در اندونزی که براساس گزارش‌ها، به‌دلیل تحولات مربوط به جنگ ایران است، دانشجویان به خیابان‌ها ریخته و با پلیس ضدشورش به‌شدت درگیر شدند.

اندونزی بزرگ‌ترین اقتصاد جنوب‌شرق آسیا در مقایسه با کشورهایی مانند تایلند و مالزی، با فشار مضاعفی ناشی از جنگ ایران روبه‌رو است. کاهش سریع ارزش پول ملی در کنار فشارهای خارجی و تحولات منطقه‌ای، از جمله تنش‌های مرتبط با جنگ علیه ایران، اقتصاد این کشور را با چالش‌های جدی مواجه کرده است. افزایش شدید قیمت سوخت در نتیجه بسته ماندن تنگه هرمز در طول جنگ نیز حسابی مردم این کشور را عصبانی کرده است. گزارش‌ها حاکی است این روزها اعتراض‌ها به افزایش شدید قیمت سوخت به درگیری گسترده معترضان و پلیس منجر شده است. تصاویر و فیلم‌های منتشرشده از صحنه‌های آخرالزمانی از درگیری شدید بین معترضان و پلیس حکایت دارد.

به نوشته رویترز محوریت اعتراضات را دانشجویان برعهده دارند. آنها خواستار کاهش قیمت سوخت، لغو اصلاحات قانون پلیس و کاهش نقش ارتش در امور غیرنظامی هستند. به نوشته رویترز یکی از محورهای اصلی اعتراض‌ها، تصمیم دولت برای افزایش قیمت برخی انواع بنزین، به‌ویژه سوخت "پرتاماکس"، بود. معترضان همچنین از افزایش هزینه‌های زندگی، تضعیف ارزش پول اندونزی و برنامه‌های پرهزینه دولت انتقاد دارند. رسانه اندونزیایی "جاکارتاپست" نیز گزارش داده است دانشجویان معترض خواستار کاهش قیمت سوخت، مهار تورم و بازنگری در برنامه‌های پرهزینه دولت شدند. براساس این گزارش، پلیس برای مقابله با تجمع‌ها هزاران نیروی امنیتی را در جاکارتا مستقر کرده است. به نوشته رویترز زمینه این اعتراض‌ها افزایش قابل‌توجه قیمت برخی سوخت‌های غیریارانه‌ای است. براساس این گزارش، شرکت دولتی انرژی «پرتامینا» قیمت بنزین «پرتاماکس» را بیش از ۳۰درصد افزایش داد؛ اقدامی که نخستین افزایش بزرگ قیمت از زمان تشدید بحران انرژی ناشی از جنگ ایران و نوسانات بازار نفت به‌شمار می‌رود. هرچند قیمت سوخت یارانه‌ای «پرتالیت» تغییر نکرده است، اما افزایش قیمت سوخت‌های غیریارانه‌ای نگرانی‌های گسترده‌ای درباره افزایش هزینه‌های زندگی ایجاد کرده است.

کیهان

روزنامه صبح

صاحب امتیاز: شرکت چاپ و انتشارات کیهان

(مؤسسه کیهان)

مدیر مسئول و سردبیر: حسین شریعتمداری

تلفن: ۳۵۲۰۰ و ۹-۳۳۱۱۰۲۵۱

کیهان و خوانندگان۳ تا ۶ عصر: ۳۳۱۱۰۰۶۵

ارتباط با ما در پیامرسان‌های ایتا و بله:

@kayhannewspaper

صفحات وب: www.kayhan.ir

کد پستی: ۱۱۴۴۸۳۱۵۹۹

صندوق پستی: ۱۱۱۵۵/۳۶۳۱

تهران - خیابان فردوسی کوچه شهید شاهچراغی